

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در دلیل چهاردهم جمع بندی استدلال این شد که طبق روایات این دلیل، ائمه (علیهم السلام) دو کار انجام می دادند؛ شرکت در نماز جمعه و خواندن نماز ظهر بعد از آن، که این مطلب نشان می دهد نماز جمعه با اهل تسنن صحیح نیست و ادله تقیه در اینجا جاری نیست، بلکه روایات بر عدم صحت نماز جمعه با اهل تسنن دلالت دارد و این ملازمه با شرطیت امام معصوم (ع) در نماز جمعه دارد.

همچنین استدلال در دلیل پانزدهم اینگونه بیان شد که عبارت «إني لأحب» در روایت امام صادق (علیه السلام) ظهور در استحباب دارد، زیرا اگر نماز جمعه واجب بود، امام نباید با این عبارت آن را بیان می فرمودند. در آن زمان، نماز جمعه هایی که توسط امام جمعه غیر منصوب از جانب امام معصوم (علیه السلام) برگزار می شد، برقرار بود. از عدم وجوب چنین نماز جمعه هایی، نتیجه می گیریم که شرط وجوب نماز جمعه، امام معصوم است. بنابراین، اگر نماز جمعه توسط امام معصوم (علیه السلام) برگزار شود، نماز جمعه واجب است، اما اکنون که امام معصوم نیست، نماز جمعه وجوب ندارد.

احتمالات مرحوم حائری در استظهار از روایت

احتمال اول: بیان حکم ثانوی در روایت

مرحوم آقای حائری در چهار احتمال در معنای مطرح کرده اند. احتمال اول ایشان این است که کلمه «فی جماعة» در روایت، ظهور در همان جماعت مرسوم و متعارف بین مسلمانان دارد. ایشان می فرمایند که امام فرموده اند: «إني لأحب أن صلى الجمعة فی جماعة» [1] و حضور در نماز جمعه اهل تسنن را مستحب شمرده اند. دلیل استحباب آن این است که از مصادیق تقیه مداراتی با عامه است. برخی مدارات با عامه را یکی از اقسام تقیه دانسته اند و آن را تقیه مداراتی نامیده اند، در حالی که برخی دیگر آن را عنوانی مستقل و جداگانه از تقیه می دانند.

ایشان در این اشکال بدنبال بیان این مطلب است که روایت در مقام بیان حکم واقعی نیست، بلکه در مقام استحباب در ظرف تقیه است. بنابراین روایت در مقام بیان حکم اولی نیست بلکه در مقام بیان حکم ثانوی است؛ و اگر روایت در مقام بیان حکم واقعی اولی نباشد، دیگر نمی توان به آن استدلال کرد. بنابراین، استدلال به این روایت وجهی ندارد. [2]

احتمال دوم: بیان شوق در اقامه نماز جمعه پشت سر امام عادل

مرحوم آقای حائری سپس می فرمایند: اگر کسی همچنان اصرار کند و بگوید که روایت به این معناست که مراد امام صادق (ع) این است که دوست دارد مومن نماز جمعه صحیح و واقعی را پشت سر امام عادل بخواند، در این صورت دیگر روایت ناظر به حکم استحباب حضور در نماز جمعه اهل تسنن نیست، ایشان می فرمایند که اگر این چنین باشد، سه احتمال دیگر در معنای روایت مطرح می کند. [3]

مرحوم آقای حائری در احتمال اول می‌فرمایند که شاید مقصود امام (ع) این باشد که ایشان مشتاق هستند که مؤمنان بتوانند در برخی مواقع نماز جمعه را به صورت صحیح و بدون ترس و تقیه برگزار کنند. در این صورت، امام با گفتن «إني لأحب أن يصلى الجمعة في جماعة» در حال ترغیب به انجام این کار نیستند، بلکه فقط شوق و آرزوی خود را برای برگزاری نماز جمعه به صورت صحیح بیان می‌کنند.[4]

احتمال سوم: استحباب نماز جمعه در مکانی که هیچ ترسی وجود ندارد

ایشان در احتمال دیگر می‌فرمایند: شاید مقصود امام این باشد که برگزاری نماز جمعه در مکانی که هیچگونه خطری وجود ندارد، مستحب است. حتی اگر این کار با برخی مشکلات و سختی‌ها همراه باشد، اما تحمل این سختی‌ها را مستحب می‌دانند. مثلاً مومنین در خانه یا خارج از شهر، بدون ترس از کسی، نماز جمعه برگزار کنند.[5]

احتمال چهارم: تقیه در ترغیب به نماز جمعه پشت سر امام عادل

ایشان در نهایت در احتمال آخر می‌فرمایند که ممکن است خود این سخن امام نیز از باب تقیه باشد. یعنی امام با گفتن «إني لأحب أن يصلى الجمعة في جماعة» قصد دارند که به صورت غیرمستقیم و با زبان تقیه، مردم را به برگزاری نماز جمعه به صورت صحیح و بدون ترس تشویق کنند. اگر امام صریحاً می‌فرمودند که خودتان بروید و در جماعتی که یک امام عادل از خودتان بگذارید و به نحو وجوبی نماز جمعه بخوانید، این کار خلاف تقیه و مصلحت بود و موجب فتنه و فساد می‌شد.[6]

ایشان در احتمال اول فرمودند که امام تشویق می‌کند به حضور در نماز جمعه اهل سنت به دلیل تقیه یا مدارا، و این کار مستحب است. اما در این احتمال، تشویق به حضور در جماعت آنها نیست. نکته قابل توجه اینجاست که اگرچه تقیه اقتضا می‌کند که به زبان وجوبی ذکر شود، ولی در این مورد به زبان استحبابی ذکر شده است. این نیز یکی از روش‌های تقیه است که حکمی که در واقع واجب است، به صورت مستحب بیان شود.

احتمالات در معنای روایت

احتمال اول: عدم خصوصیت جماعت در روایت

مرحوم حائری از روایت استظهار کرده که مراد، جماعت متعارف بین مسلمین است. اما این سوال مطرح است که آیا عبارت «و أن يصلى الجمعة في جماعة» به این معنی است که امام می‌خواهد بگوید حتماً نماز جمعه را به جماعت بخوانید؟ در حالی که جماعت شرط اساسی نماز جمعه است و بدون آن، نماز جمعه معنایی ندارد.

این احتمال بعید است که امام خواسته باشد به جماعت اهل سنت اشاره کند. امام اصلاً در این مقام نیست که اشاره به نماز جمعه اهل تسنن داشته باشد تا تقیه شود، یا اینکه امام بخواهد بگوید در جایی که خوفی ندارید، خودتان چند نفر بشوید و نماز جمعه را اقامه کنید.

عبارت «فی جماعة» نقش چندانی در مراد از روایت ندارد. بنابراین نیازی نیست که عبارت «فی جماعة» را در استدلال دخیل بدانیم.

مرحوم حائری در خصوص عبارت «فی جماعة» دو احتمال مطرح کرده است؛ یک احتمال این است که جماعت به معنای جماعت اهل سنت است و احتمال دیگر این است که جماعت به معنای جماعت خود شیعیان است. اما نظر ما این است که «فی جماعة» اصلاً نقشی در استدلال ندارد و نباید به آن توجه کنیم.

احتمال دوم: اقامه یک نماز جمعه همراه با شیعیان در طول عمر

احتمال دیگری که می‌توان در این روایت مطرح کرد، این است که عبارت «فی جماعة» در واقع «فی جمعة» بوده است، آنگاه به

ضمیمه «ولو مرة واحدة» معنای روایت این می‌شود که امام (ع) می‌فرمایند: من دوست دارم یک شیعه، حداقل یک بار، نماز جمعه را نیز در یک جمعه با شرائطش بخواند، این احتمال با سیاق روایت نیز هماهنگ است.

در هر صورت، می‌توانیم با اطمینان بگوییم که امام در مقام ترغیب به حضور شیعه در نماز جمعه اهل سنت نیست، اما اگر بخواهیم برای عبارت «فی جماعة» اعتباری قائل باشیم، می‌توانیم بگوییم که منظور امام این است که می‌فرمایند: من دوس دارم مومن یک نماز جمعه در جماعتی از شیعیان بخواند.

دیدگاه برگزیده در دلیل پانزدهم

استدلال به روایت تنها طبق احتمال اولی که مرحوم حائری بیان کرد مخدوش است که این احتمال نیز مورد مناقشه قرار گرفت. اما طبق سایر احتمالاتی که مطرح کردیم بازهم استدلال به این روایت بر شرطیت امام معصوم در نماز جمعه مخدوش نیست، زیرا مقتضای روایت استحباب نماز جمعه است و در آن زمان، نماز جمعه‌هایی که توسط امام جمعه غیر منصوب از جانب امام معصوم (علیه السلام) برگزار می‌شد، برقرار بود. از عدم وجوب چنین نماز جمعه‌هایی، نتیجه گرفته می‌شود که شرط وجوب نماز جمعه، امام معصوم (ع) است. و این استدلال طبق هر یک از این احتمالات صحیح است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] «رَوَى ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنِّي لأُحِبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ لَا يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتِمَّتَعَ وَ لَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً وَأَنْ يُصَلِّيَ الْجُمُعَةَ فِي جَمَاعَةٍ.» (مصباح المتجهد، ج 1، ص 364).
- [2] «وَأَمَّا الْخَامِسُ عَشَرَ ففیه: أَنَّ الظَّاهِرَ مِنْهُ- لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْبَيْنِ قَرَائِنٌ مَعْهُدَةٌ بَيْنَ الْمُتَكَلِّمِ وَالْمُخَاطَبِ- هُوَ الْجَمَاعَةُ الْمُتَعَارَفَةُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، فَيَكُونُ الْمَقْصُودُ- بِنَاءً عَلَى هَذَا- بَيَانُ اسْتِحْبَابِ حُضُورِ جَمْعَةِ الْعَامَّةِ، وَ قَدْ مَرَّ أَنَّهُ مَرْغُوبٌ فِيهِ مِنْ جِهَةِ التَّقِيَّةِ وَ الْمَدَارَاةِ وَ جِهَاتٍ أُخَرَ.» (صلاة الجمعة (حائری)، ص 115).
- [3] «وإن أُبَيِّنَ عَنْ ذَلِكَ وَ ادَّعِيَتِ الظُّهُورُ فِي الْجُمُعَةِ الصَّحِيحَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ الْعَادِلِ فَلَا رَيْبَ أَنَّهُ لَيْسَ الْمَقْصُودُ اسْتِحْبَابَ ذَلِكَ وَ لَوْ كَانَ عَلَى خِلَافِ التَّقِيَّةِ» (همان).
- [4] «فلعلَّ المقصود بيان شوقه إلى حصول التوفيق للمؤمن في إقامة الجمعة في بعض الأوقات- فارغا عن الخوف من الأعداء-» (همان).
- [5] «أو المقصود بيان استحباب إقامة الجمعة في مكان لا يخاف فيه أحدا، و إن كان ذلك حرجا مرفوعا عنه، لكن يستحب تحمّل المشقة بالاجتماع في بيت أو في خارج البلد و إعلام العدد مع توصيتهم بعدم كشف السرّ و إقامة الجمعة، و لو في بعض الجمعات.» (همان).
- [6] «و يمكن أن يقال: إنَّ الكلامَ المزبورَ الظاهرَ في الاستحباب صدر منه 7 تقيّة، بمعنى أنّه لو كان صريحا في الوجوب و أنّه لا بدّ من إقامة الجمعة عند كم في كلّ أسبوع إذا لم تخافوا، كان ذلك موجبا للفساد أيضا، فعبر بما هو ظاهر في الاستحباب حتّى لا تقام في جميع الجمعات فيقعوا في الفتنة و الفساد.» (صلاة الجمعة (حائری)، ص 116).

منابع

حائری، مرتضی، صلاة الجمعة (حائری)، قم - ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418. طوسی، محمد بن حسن - مروارید، علی اصغر، مصباح المتجهد، مؤسسه فقه الشیعه، 1411.